



Investigating and Analyzing the Effect of the Government's Financial Policies on the Geographical Distribution of Manufacturing Enterprises among the Provinces of Iran: A Case Study of the Garment Industry

Mohammadali Maghsoudpour^{1*} , Behnam Karamshahi²

¹ Assistant Professor of Economics, Baft Higher Education Complex, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

² Assistant Professor of Accounting, Baft Higher Education Complex, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Abstract: This article aims to investigate and analyze the effect of the government's financial policies on the geographical distribution of garment manufacturing industries in the provinces of Iran using dynamic panel data and the generalized moments method in the period of 2013-2021. The Herfindahl-Hirschman Concentration Index (HHI) was used to measure the level of concentration of companies, and the two variables of the share of the province's construction budget and tax exemptions under Article 132 (DTL) were used to measure the government's financial policies. The results of the research show the positive and significant effect of the province's share of the construction budget on the choice of the business location, but tax exemptions have not been able to have a significant effect on the choice of the location of the economic activity of garment manufacturing industries. Therefore, it is recommended to first evaluate other factors that are effective in deciding the location of the company's activity, and if it is ensured that the social benefits of the dispersion of companies are superior to their concentration, the policy of tax exemptions in Article 132 (DTL) to be reviewed so that it has the necessary efficiency according to the policy maker's goals.

Key Words: Fiscal Policy, Tax Exemption, Government Budget, Geographic Concentration, Localization Economies, Urbanization Economies.

بررسی و تحلیل اثر سیاست‌های مالی دولت بر پراکندگی جغرافیایی بنگاه‌های تولیدی در بین استان‌های

ایران: مطالعه موردی صنعت پوشاک

محمدعلی مقصودپور^{۱*} , بهنام کرماشاهی^۲

۱- استادیار اقتصاد، مجتمع آموزش عالی بافت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲- استادیار حسابداری، مجتمع آموزش عالی بافت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

چکیده

این مقاله با هدف بررسی و تحلیل اثر سیاست‌های مالی دولت بر پراکندگی جغرافیایی صنایع تولیدی پوشاک در استان‌های ایران با استفاده از داده‌های پانل پویا و روش گشتاورهای تعمیم یافته در دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۱ انجام گرفته است. برای سنجش میزان تمرکز بنگاه‌ها از شاخص تمرکز هرfindahl - هیرشمن (HHI) و برای سنجش سیاست‌های مالی دولت از دو متغیر سهم بودجه عمرانی استان و معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ (ق.م.م) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان دهنده اثر مثبت و معنی دار متغیر سهم استان از بودجه عمرانی بر انتخاب مکان فعالیت بنگاه است؛ اما معافیت‌های مالیاتی نتوانسته است اثر معنی داری بر انتخاب مکان فعالیت اقتصادی صنایع تولیدی پوشاک داشته باشد؛ بنابراین، توصیه می‌شود ابتدا مواردی ارزیابی شوند که در تصمیم‌گیری مکان فعالیت بنگاه مؤثر هستند و در صورت اطمینان از برتری فواید اجتماعی پراکندگی بنگاه‌ها بر تمرکز آنها، سیاست معافیت‌های مالیاتی ماده ۱۳۲ (ق.م.م) بازنگری شود تا کارایی لازم را مطابق اهداف سیاست گذار داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: سیاست مالی، معافیت مالیاتی، بودجه دولت، تمرکز جغرافیایی، صرفه‌های محلی شدن، صرفه‌های شهرنشینی.

* Corresponding Author: Mohammadali Maghsoudpour

E-mail address: maghsoudpour@uk.ac.ir. behnamkaramshahi@uk.ac.ir



2588-4867/ © 2024 University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

مقدمه

دولت‌ها برای دستیابی به اهداف و وظایف اقتصادی خود، سیاست‌ها و رویه‌های گوناگونی را دنبال می‌کنند و تلاش می‌کنند از طریق به‌کارگیری ابزارهای مناسب بر اقتصاد تأثیر بگذارند. از جمله این ابزارها، اتخاذ سیاست‌های مالی است که دارای نقش کلیدی در تجهیز و هدایت وجوه موجود به سمت مناطق و بخش‌های مختلف یک اقتصاد هستند و برای رسیدن به اهدافی مانند رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی اجرا می‌شوند. سیاست‌ها می‌توانند به اشکال مختلف و با ابزارهایی پیاده شوند که دولت در اختیار دارد؛ از جمله این ابزارها بودجه عمرانی دولت و همچنین مالیات‌ها و معافیت‌های مالیاتی هستند که با هدف توسعه و تقویت بنیه اقتصادی مناطق یا بخش‌های خاص انجام می‌گیرند. در این حالت دولت با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و همچنین حمایت از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی از طریق معافیت‌های مالیاتی در مناطق یا بخش‌های اقتصادی، زمینه انتقال سرمایه به آن مناطق یا بخش‌ها را فراهم می‌کند.

در کنار سیاست‌های دولت برای انتقال و هدایت منابع به سمت مناطق مورد نظر خود، مسئله تصمیم‌گیری بنگاه برای انتخاب مکان فعالیت اقتصادی نیز مطرح است؛ به طوری که موفقیت اقتصادی یک بنگاه نه تنها به کارایی تکنیکی و اقتصادی آن بستگی دارد، بلکه مکان استقرار بنگاه نیز تعیین‌کننده و مهم است. ضرورت و اهمیت انتخاب مکان برای بنگاه صنعتی تا حدی است که در ادبیات این حوزه به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت اقتصادی بنگاه صنعتی به شمار می‌رود. به این علت که مکان فعالیت می‌تواند بر رشد اشتغال بنگاه، خروج بنگاه از صنعت، سودآوری بنگاه و رقابت آن تأثیرگذار باشد (صالح‌نیا و مقصودپور، ۱۴۰۰).

سیاست‌های دولت برای حمایت از مناطق مختلف می‌تواند زمینه را برای سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی در آن مناطق فراهم آورد. پراکندگی بنگاه‌ها در مناطق مجزا، رقابت بین آنها را در جذب کارگران کاهش می‌دهد و شاید بنگاه را به مشتری‌های پراکنده‌اش نزدیک‌تر کند؛ با این حال، مزایای ظرفیتی در خوشه‌ای شدن^۱ بنگاه‌ها وجود دارد که برای بسیاری از صنایع این مزایا بر هزینه‌های آشکار متمرکز شدن برتری دارد.

امروزه توزیع و پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مختلف جهان یا یک کشور تفاوت‌هایی دارد که جغرافیای اقتصادی^۲ قادر به پاسخگویی بخشی از این تفاوت‌ها است. این شاخه از اقتصاد، به مطالعه مکان، توزیع و سازماندهی فضایی فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهان یا یک منطقه می‌پردازد. عوامل مختلفی در انتخاب مکان فعالیت یک بنگاه می‌توانند نقش داشته باشند. نئوکلاسیک‌ها و نهادگرایان عوامل مؤثر بر مکان‌یابی بنگاه‌ها را عوامل بیرونی تلقی می‌کنند و معتقدند یک بنگاه اقتصادی در جست‌وجوی مکانی است که سود او را حداکثر کند (هزینه را حداقل کند)؛ از این رو، عواملی مانند هزینه‌های حمل‌ونقل، میزان دسترسی به زیربنای قبیل جاده، برق، آب، گاز و ...، دسترسی به نیروی کار (ماهر و غیرماهر)، دسترسی به بازار، وجود صرفه‌های تجمیع، سرمایه انسانی، تکنولوژی، مالیات و مشوق‌های دولتی و ... به تغییر توابع هزینه و سود بنگاه‌ها منجر شده‌اند و بنابراین بر انتخاب مکان فعالیت اقتصادی بنگاه اثر می‌گذارند؛ در مقابل، رفتارگرایان بر نقش عوامل درونی بنگاه از قبیل اندازه بنگاه و نوع مالکیت، نوع صنعت، ویژگی‌های کارفرما یا مؤسس (محل سکونت او، تجارب قبلی او و ...) تأکید می‌کنند (مقصودپور، ۱۳۹۶).

تصمیمات مکانی بنگاه‌ها بر پایه حداکثرکردن سود استوار است. به چند دلیل سود بالقوه یک بنگاه، از یک مکان نسبت به مکان دیگر متفاوت است: اول، انتقال نهاده‌ها و محصولات هزینه‌بر است و مکان‌هایی که دارای هزینه‌های حمل و نقل نسبتاً پایینی هستند، سود بیشتری را ایجاد خواهند کرد (به شرط برابری بقیه شرایط). دوم، برخی نهاده‌ها را به‌طور کامل نمی‌توان حمل کرد و مکان‌هایی با نهاده‌های محلی ارزان به‌وجودآورنده سودهای بالاتر خواهند بود (به شرط برابری بقیه شرایط). سوم، برخی بنگاه‌ها از هم‌جواری با دیگر بنگاه‌ها در یک صنعت مشابه سود می‌برند (صرفه‌جویی‌های ناشی از محلی‌شدن^۳) و عده‌ای از بنگاه‌ها از بودن در یک شهر متنوع و بزرگ سود می‌برند (صرفه‌جویی‌های ناشی از شهرنشینی^۴). چهارم، بخش عمومی با دریافت مالیات، کالاها و خدمات عمومی را فراهم می‌آورد و مکان‌های برخوردار از یک بخش عمومی نسبتاً کارا، سودهای بالاتری را تولید خواهد کرد (به شرط برابری بقیه شرایط) (سولیوان، ۱۳۸۶).

^۲ Economic Geography

^۳ Localization Economies

^۴ Urbanization Economies

^۱ Clustering

نحوی صورت گیرد که بتوان در کنار توسعه پایدار اقتصادی و بهبود شاخص‌های اجتماعی، تفاوت میان مناطق را کاهش داد (غفاری فرد، ۱۳۹۸).

در چارچوب اقتصاد کلان، سیاست‌های دولت را می‌توان به دو بخش سیاست‌های مالی (مخارج و مالیات‌ها) و سیاست‌های پولی (تعیین حجم پول و رویکردهای مختلف هدف‌گذاری نرخ بهره و نرخ ارز) تقسیم کرد (رجب‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). آثار سیاست مالی بر اقتصاد از ابتدای طرح آن، مورد بحث مکاتب گوناگون بوده است. در دیدگاه کینزی (۱۹۳۶)، سیاست مالی در نقش عامل ضدچرخه‌ای می‌تواند از نوسانات اقتصادی جلوگیری کند و ثبات اقتصاد کلان را به همراه بیاورد. بعدتر مکتب ساختارگرا، دیدگاه کینز را با مسائل اقتصادهای درحال توسعه اینگونه پیوند داد که کمبود سرمایه‌گذاری در کشورهای درحال توسعه از موانع اصلی شروع رشد اقتصادی این کشورها بوده و دولت می‌تواند و باید از طریق مخارج خود، ایجاد زیرساخت‌ها و پیشبرد توسعه دولت محور، رشد و اشتغال را به همراه بیاورد (Nurkes, 1953). در مقابل در دیدگاه پولی و نئوکلاسیک، نقش سیاست مالی بیشتر معطوف به کوتاه‌مدت است و در بلندمدت تأثیری بر رشد و اشتغال ندارد (Freidman, 1968). همچنین مخارج دولت می‌تواند آثار ضدتوسعه‌ای داشته باشد؛ یعنی جایگزینی سرمایه‌گذاری دولتی به جای سرمایه‌گذاری خصوصی به دلیل بهره‌وری کمتر مخارج دولتی موجب اختلال در فرایند رشد شود یا دولتی شدن اقتصاد، با ترغیب رانت‌جویی، افزایش فساد و تضعیف فرایندهای رشد و توسعه را به دنبال داشته باشد (Diamond, 1999). معرفی نظریه رشد درون‌زا، توجه مجدد به تأثیر سیاست مالی بر رشد اقتصادی را به دنبال داشته است. در این چارچوب، افزایش مخارج سرمایه‌ای دولت همانند خدمات زیرساختی و همچنین مخارج دولت بر دانش و بهبود سرمایه انسانی، می‌تواند موجب تحریک رشد اقتصادی شود و نقشی مؤثر در توسعه داشته باشد (Romer, 2001). در دو دهه اخیر، مطالعات مربوط به تأثیرات سیاست مالی از تمرکز بر رشد اقتصادی فراتر رفته و بررسی اثر سیاست مالی بر رشد فراگیر (رشد همراه با کاهش نابرابری) نیز درخور توجه قرار گرفته است (Ostry and Berg, 2011).

سازوکار تأثیرگذاری سیاست مالی در بخش مخارج را می‌توان در قالب اثر بودجه جاری و عمرانی یا در قالب امور بودجه اقتصادی، اجتماعی، عمومی و دفاعی بررسی کرد.

مطالعه چگونگی استقرار و پراکندگی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی بین مناطق مختلف کشور و عوامل تأثیرگذار بر این پراکندگی بسیار حائز اهمیت هستند و می‌تواند در شکل‌گیری برنامه‌ریزی منطقه‌ای نقش به‌سزایی داشته باشد. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا سیاست‌های مالی دولت که با هدف رشد و توسعه اقتصادی متوازن استان‌های ایران انجام می‌گیرد، توانسته است بر منافع خوشه‌ای شدن و فعالیت متمرکز بنگاه‌ها غلبه کند یا خیر. برای پاسخ به این سؤال اثر سیاست‌های مالی دولت بر عدم تمرکز بنگاه‌های فعال در بخش صنایع پوشاک مستقر در استان‌های ایران در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۱ با استفاده از داده‌های پانل پویا و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM) بررسی شده است.

سازماندهی مقاله بدین صورت است که بعد از مقدمه حاضر، ادبیات موضوع پژوهش در دو زیربخش مبانی نظری و مبانی تجربی بررسی شده است. در ادامه پس از پرداختن به روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش آمده‌اند. در بخش پایانی، ضمن تفسیر یافته‌های پژوهش، جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی آمده‌اند.

ادبیات موضوع

در این بخش ابتدا مبانی نظری پژوهش و پس از آن پیشینه پژوهش بیان شده است.

مبانی نظری پژوهش

یکی از مباحث عمده و اساسی در طراحی نظام برنامه‌ریزی جامع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسئله توسعه متوازن است که در فرایند توسعه ملی، ویژگی‌های هر منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد. توجه به همگن‌سازی مناطق از دیدگاه برخورداری از امکانات، تسهیلات و سایر شاخص‌های مدنظر، مسئله‌ای است که می‌تواند در راه رسیدن به اهداف کمی و کیفی برنامه‌های ملی، بر تخصیص منابع تأثیر بگذارد و با تغییر نگرش و جهت‌گیری متناسب با هدف کاهش فاصله مناطق، چهارچوب سیاست‌گذاری ملی را سازماندهی کند. بدین منظور لازم است با استفاده از روش‌های علمی و توان اکولوژیکی مناطق سازماندهی ساختار روابط میان انسان، فضا و فعالیت‌ها به

¹ Generalized Method of Moments

مقرون به صرفه می شود. در غیر این صورت، بنگاه تولیدکننده کالا باید بنهادهای مصرفی خود را از مکانی دورتر تهیه کند و افزایش هزینه‌های حمل و نقل برای بنگاه منجر به بالارفتن هزینه‌های تولید کالا می شود. این حالت به ویژه در شرایطی بنگاه‌ها را به سوی تجمیع سوق می دهد که حمل و نقل بنهادهای به دلیل حجیم بودن، شکستنی بودن و ... بسیار هزینه‌بر باشد یا بنگاه‌ها در صورت نزدیکی بتوانند برای کاهش هزینه‌ها، بنهادهای را به صورت مشترک به استخدام بگیرند و از آن در تولید استفاده کنند. همچنین، تمرکز جغرافیایی بنگاه‌های مختلف منجر به ایجاد صرفه‌های ناشی از مقیاس در تولید بنهادهای واسطه‌ای مشترک مانند بانکداری، بیمه، سیستم‌های حمل و نقل، خدمات امنیتی و ... می شوند که کل بنگاه‌ها از مزایای اینگونه صرفه‌ها بهره می‌برند. به هر حال پایین آمدن هزینه‌های بنگاه‌های مجاور به دلیل صرفه‌جویی در هزینه بنهادهای مصرفی، تولید را از نظر اقتصادی مقرون به صرفه می کند و باعث افزایش تولید هر بنگاه و افزایش تعداد بنگاه‌ها می شود (فرهمند و بدری، ۱۳۹۱). هندرسن^۲ (۲۰۰۰) نیز معتقد است به دلیل وجود صرفه‌های محلی^۳ ناشی از مقیاس، هنگامی که بنگاه‌ها به صورت متمرکز تولید کنند، بسیار کارا تر عمل می کنند؛ زیرا مجاورت فضایی یا تراکم بالای فعالیت در یک محل، سبب می شود هزینه‌های حمل و مبادله اجزا در میان تولیدکننده‌ها و هزینه‌های حمل برای شهروندان محلی کاهش یابد و آثار خارجی مثبت^۴ چشمگیری ایجاد شود.

استفاده مشترک از بازار کار

مجاورت فیزیکی بنگاه‌ها، هزینه‌های نقل و انتقال کارگران را هم برای کارگران و هم برای کارفرمایان کاهش می دهد. همچنین، بنگاه‌ها اطمینان کافی ندارند که در آینده به چه درجه‌ای از مهارت‌های شغلی نیاز دارند. در مکانی که تمرکز جغرافیایی بنگاه‌ها وجود دارد، بنگاه‌ها با کارگران بیشتر و در نتیجه گوناگونی در مهارت مواجه هستند که خود هزینه‌های جست و جو و دستمزد را برای بنگاه کاهش می دهد. همچنین، احتمال از دست دادن کار برای کارگرانی که در یک گروه از

سیاست مالی از طریق مخارج عمرانی (پروژه‌های سرمایه‌گذاری و بهبود زیرساخت‌ها) می تواند بر ایجاد فرصت‌های رشد اقتصادی و اشتغال تأثیر بگذارد. مخارج جاری دولت نیز بر طیفی از متغیرهای توسعه‌ای مانند حفاظت از محیط زیست و پرداخت‌های انتقالی به فقرا تأثیرگذار شناخته شده است (Addison et al., 2018). البته این مخارج می توانند دارای اثر ازدحامی باشند؛ برای مثال، در حوزه ایجاد فرصت‌های اقتصادی، برخی پژوهش‌ها نتیجه گرفته‌اند که به دلیل بهره‌وری کمتر بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی، تأثیر سرمایه‌گذاری دولتی بر رشد بلندمدت با ابهام فراوان روبه‌رو است (رجب‌پور و همکاران، ۱۴۰۱). وجه دیگر سیاست مالی (یعنی مالیات‌ها) نیز توجهات گسترده‌ای را به خود جلب کرده است؛ برای مثال، مطالعات اخیر بانک جهانی نشان می‌دهند رشد همراه با نابرابری، کمتر می‌تواند از استمرار بلندمدت بهره‌مند شود (Ostry and Berg, 2011)؛ بنابراین، تأثیر سیاست مالی بر هر دو بعد ایجاد و توزیع فرصت‌ها شایان توجه قرار گرفته است.

تمرکز بنگاه‌هایی که کالاهای مشابه با امکان جانشینی بالا تولید می‌کنند، در یک مکان جغرافیایی، یکی از ویژگی‌های معماگونه اقتصاد شهری است؛ زیرا پراکندگی در مناطق مجزا، رقابت بین بنگاه‌ها را در جذب کارگران کاهش می‌دهد و شاید بنگاه را به مشتری‌های پراکنده‌اش نزدیک‌تر کند. از این نظر انتظار می‌رود بنگاه‌ها تمایلی به تمرکز در کنار هم نداشته باشند؛ با این حال، در موارد متعددی می‌توان شاهد تجمع گروهی از تولیدکنندگان کالاهای مشابه در نزدیک همدیگر بود. طبعاً این تمرکز جغرافیایی^۱ بنگاه‌ها مزایایی را برای آنها باید داشته باشد که این مزایا بتوانند بر هزینه‌های ناشی از تمرکز غلبه کنند. در ادامه، دلایل تمرکز جغرافیایی بنگاه‌ها بررسی شده‌اند.

استفاده مشترک از تأمین‌کنندگان بنهادهای

بنگاه‌ها در نزدیکی یکدیگر مستقر می‌شوند تا به این وسیله هزینه به دست آوردن بنهادهای و هزینه انتقال محصولات خود را به مشتریان زبردست خود کاهش دهند. با گرد هم آمدن واحدهای تولیدی مشابه، مقیاس تولید افزایش می‌یابد؛ در نتیجه، تولید برای تولیدکنندگان واسطه‌ای در آن محدوده جغرافیایی

² Henderson

آثراتی هستند که بنگاه‌ها به وسیله یادگیری از سایر بنگاه‌ها در صنایع مرتبط در یک منطقه محلی کسب می‌کنند (سامتی و همکاران، ۱۳۹۳).

⁴ Positive Externalities

¹ Geographic Concentration

شهری کاهش می‌یابد (سولیوان، ۱۳۸۶). مشخص است افزایش جمعیت شهری که یک فعالیت اقتصادی در آنجا انجام می‌گیرد با کاهش هزینه سرانه زیرساخت‌ها و کاهش هزینه سرانه دسترسی به بازار برای تولیدکنندگان، منافعی را برای آنها به همراه خواهد داشت؛ بنابراین، با افزایش جمعیت ساکن در شهرهای بزرگ تمایل بنگاه‌ها به استقرار در این نواحی (یا نواحی نزدیک به آنها) افزایش می‌یابد. ادامه این روند در طول زمان به شکل‌گیری تمرکز جغرافیایی بنگاه‌ها منجر می‌شود (صالح‌نیا و مقصودپور، ۱۴۰۰).

در کنار رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب که یکی از اصلی‌ترین اهداف برنامه ریزان هر کشور محسوب می‌شود، یکی از اهداف اصلی آمایش سرزمین و برنامه‌های کلان توسعه در کشور تأکید بر گسترش فعالیت‌های صنعتی در فضای جغرافیایی و تخصص‌یابی منطقه‌ای برای شکل‌گیری تقسیم کار فضایی و عدالت در برخورداری از امکانات و رشد متوازن مناطق مختلف کشور است. همچنین، یکی از عوامل مؤثر بر سود بنگاه‌های اقتصادی، مکان فعالیت بنگاه است. مجموعه عواملی که یک مکان جغرافیایی را برای فعالیت بنگاه جذاب‌تر می‌کنند ممکن است با سیاست‌های رشد متوازن مدنظر دولت سازگاری نداشته باشند و باعث شکل‌گیری یک تضاد شوند که دولت در اتخاذ سیاست‌های خود باید به آن توجه داشته باشد.

مروری بر مطالعات تجربی

سریدر و وان^۳ (۲۰۱۰)، عوامل مؤثر بر مکان‌یابی بنگاه‌ها را به سه دسته کلی متغیرهای جغرافیایی اقتصادی (نزدیکی به نهاده و موجود بودن مواد خام)، زیربناها و خدمات (وجود راه آسفالت، دسترسی به انواع انرژی و دسترسی به خطوط تلفن) و قوانین و مقررات دولتی و ویژگی‌های بنگاه (مالکیت، اندازه و ...) تقسیم می‌کنند. همچنین، نتیجه پژوهش آنها برای کشورهای چین، هند و برزیل نشان می‌دهد با افزایش اندازه شهر، احتمال استقرار بنگاه‌ها در آن شهر افزایش می‌یابد؛ با این حال، پایتخت‌ها غالباً مکان مناسبی برای استقرار بنگاه‌ها نیستند؛ به خصوص اگر پایتخت‌ها شهرهای بسیار بزرگی باشند. آلاماندا^۴ (۲۰۲۰)، در

بنگاه‌ها مشغول به کار هستند، کمتر از کارگرانی است که در یک بنگاه دورافتاده مشغول به کار می‌شوند. پس کارگران برای کار در یک گروه از بنگاه‌ها حاضر به قبول دستمزد کمتری می‌شوند که به بالا رفتن میزان اشتغال و رشد اقتصادی منجر می‌شود (فرهمند و بدری، ۱۳۹۱). در واقع، تجمع باعث ایجاد یک بازار با ثبات از نیروی کار متخصص می‌شود.

سرریز دانش و تکنولوژی

استقرار بنگاه‌ها در نزدیکی یکدیگر به سرریزهای دانش و آگاهی منجر می‌شود. همچنین، به مبادله سریع تر مهارت‌ها، ایده‌ها و نوآوری‌ها بین کارگران آن صنعت با یکدیگر منجر شده و منبع جدیدی از ایده‌ها و ابداعات را به وجود می‌آورد (سولیوان، ۱۳۸۶). زمانی که بنگاه‌های مشابه، مجاور یکدیگر واقع شوند و موجب تمرکز یک صنعت در یک منطقه شوند، سرریزهای دانش و تکنولوژی بین آنها افزایش می‌یابد. در چنین وضعیتی ایده‌های نوآور کمتر می‌توانند مخفی بمانند؛ به خصوص زمانی که کارکنان بنگاه‌های مختلف، بتوانند به راحتی با یکدیگر ارتباط داشته باشند، یک چگالی بالا از فعالیت‌های اقتصادی تبادل اطلاعات را تسهیل می‌کند (صالح‌نیا و مقصودپور، ۱۴۰۰).

وجود مزایای طبیعی

در برخی مناطق موهبت‌های طبیعی وجود دارند که به راحتی تغییر نمی‌کنند. از این جمله می‌توان به زمین، شرایط آب و هوایی، رودخانه (به خصوص رودخانه‌های قابل کشتیرانی)، نیروی کار غیرقابل تحرک، جنگل و غیره اشاره کرد. براساس این موهبت‌ها، می‌توان درک کرد چرا تمرکز برخی بنگاه‌ها در مناطق خاصی بیشتر است^۱ یا اینکه چرا برخی بنگاه‌ها در یک منطقه تمایل به تولید کالای کاربر و در منطقه دیگر گرایش به تولید کالای سرمایه‌بر دارند (مک‌کین^۲، ۱۳۹۴).

استفاده از صرفه‌های شهرنشینی

صرفه‌های ناشی از شهرنشینی به مواردی اشاره دارد که هزینه‌های تولیدکنندگان به دلیل افزایش جمعیت کل یک ناحیه

^۳ Sridhar & Wan

^۴ در این تحقیق از اندازه شهرها به عنوان متغیری برای سنجش اثر صرفه‌های شهرنشینی استفاده شده است.

^۵ Alamanda

^۱ برای مثال، به دلیل تمرکز قسمت زیادی از منابع نفت و گاز کشور در استان‌های خوزستان و بوشهر، شاهد هستیم که صنایع مربوط به نفت و گاز و پتروشیمی در این مناطق تمرکز بیشتری دارند.

^۲ Mccann

رویکردی منفعلانه برای تحریک ایجاد کسب و کار اتخاذ کنند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهند ایجاد کسب و کار جدید به‌طور مثبت به عواملی فراتر از سرمایه‌گذاری‌های دولتی بستگی دارد که می‌توان به جذب مهاجران با مهارت بالا به منطقه، کاهش قیمت املاک، کاهش مالیات‌ها و جریمه‌های شرکت‌ها در بخش غیررسمی اشاره کرد. این یافته‌ها نشان می‌دهند کارآفرینان ایجاد کسب و کار در منطقه را تنها به سرمایه‌گذاری‌های دولتی محدود نمی‌دانند. گاس و هرت^۴ (۲۰۲۳) در تحقیقی، عوامل تعیین‌کننده انتخاب مکان شرکت‌ها در آلمان را بررسی می‌کنند. نتایج تخمین مدل لاجیت چندجمله‌ای مختلط تودرتو، براساس نمونه‌ای از ۱۱۰۰۸۳ شرکت آلمانی، شواهدی را ارائه می‌دهد که اثرات تراکم نقش اساسی در انتخاب مکان شرکت‌ها بازی می‌کند؛ درحالی‌که معیار دسترسی پیچیده به بازار تأثیر چشمگیری ندارد. این نتیجه برای شرکت‌های بزرگ و همچنین کوچک و متوسط صادق است و استحکام نتایج آن در چندین بررسی تأیید شده است.

عبدالملکی و شیردلین (۱۳۹۲) در پژوهشی، تأثیر معافیت‌های مالیاتی مناطق محروم (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) بر کارایی اقتصادی را با استفاده از دو شاخص رشد اقتصادی و توسعه منطقه‌ای بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آنان نشان می‌دهد معافیت‌های مالیاتی (موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م) اثری بر رشد و توسعه اقتصادی استان‌های کشور نداشته است. عبدی و رضایی (۱۳۹۴) در پژوهشی به منظور تحلیل چگونگی تحریک سرمایه‌گذاری در نتیجه اعطای مشوق‌های مالیاتی، منافع و هزینه‌های مشوق‌های مالیاتی در صنایع مختلف اقتصاد ایران را با روش معادلات همزمان در دوره زمانی ۱۳۷۲-۱۳۹۰ تحلیل کرده‌اند. نتایج حاصل از آن بیان‌کننده این است که هزینه اعطای هرگونه محرک مالی نسبت به منافع آن بیشتر بوده است. عسگری و جعفری (۱۳۹۵) در پژوهشی آثار اعطای معافیت‌های مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار) را به روش استنباطی در دوره زمانی ۱۳۷۸-۱۳۹۳ بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد معافیت‌های مالیاتی اعطاشده تأثیر چشمگیری بر گسترش صادرات مناطق آزاد تجاری در ایران نداشته است. موسوی جهرمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، تأثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم بر

مقاله‌ای با عنوان «اثر مخارج دولت بر نابرابری درآمد و فقر در اندونزی» با تجزیه و تحلیل مجموعه داده‌های پانل ۳۳ استان از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۷، تأثیر انواع مختلف هزینه‌های دولت بر نابرابری درآمد و فقر در اندونزی را بررسی کرده است. این مقاله با استفاده از اثر ثابت، اثر تصادفی و رگرسیون به‌ظاهر غیرمرتبط (SURE) نشان می‌دهد کمک‌های اجتماعی، یارانه‌ها و هزینه‌های کمک مالی، تأثیر ناچیزی در کاهش نابرابری درآمد و فقر در اندونزی دارد. کچرمانز و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی اثرات معافیت‌های مالیاتی تحقیق و توسعه بر تصمیم‌بگیران را با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی در دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۱۱ در کشور بلژیک بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهند تصمیم‌بگیران به استفاده از معافیت‌های مالیاتی تحقیق و توسعه تأثیر گرفته از انتخاب بنگاه‌های دیگر است و با در نظر گرفتن ساختار شبکه‌ای بنگاه‌ها در ابلاغ اقدامات پشتیبانی جدید، کارایی سیاست‌های تحقیق و توسعه را می‌توان بهبود بخشید. دنگ و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای، چگونگی تأثیر مداخله دولت بر میزان سرمایه‌گذاری و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در دوره بحران مالی سال ۲۰۰۸ را بررسی کرده‌اند. هدف از سیاست حمایتی چهار تریلیون یوانی دولت چین، بازیابی اقتصاد از طریق ترویج سرمایه‌گذاری در حوزه‌های دارای اولویت بود. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد شرکت‌های تحت مداخله دولت بیش از شرکت‌های کنترل سرمایه‌گذاری کرده‌اند. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می‌دهد منبع تأمین مالی سرمایه‌گذاری عمدتاً از وام‌های بانکی بوده است تا جریان‌های نقدی داخلی. با این حال، عملکرد این شرکت‌ها پس از سرمایه‌گذاری ضعیف بوده است. به دلیل اینکه شرکت‌های تحت مداخله دولت پس از دریافت بسته حمایتی بیش از حد سرمایه‌گذاری کرده‌اند، کارایی سرمایه‌گذاری آنها کاهش یافته است. یافته‌ها نشان می‌دهند مداخله دولت می‌تواند نقش منفی در شرکت‌های تحت مداخله داشته باشد. فاریا و همکاران^۳ (۲۰۲۳) معتقدند این دیدگاه که ایجاد کسب و کار جدید با سطح بهینه سرمایه‌گذاری‌های دولتی رشد می‌کند، همچنان برای سیاست‌گذاران جذاب است؛ اما در مقابل این رویکرد فعال، دیدگاه دیگری وجود دارد که در آن دولت‌ها ممکن است

¹ Kelchtermans et al.

² Deng et al.

³ Faria et al.

⁴ Gaus and Hirte

داده‌شده بر استان‌های مختلف براساس سیاست پولی و مالی ارزیابی شده است. به‌منظور تحلیل این رابطه از اطلاعات آماری بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۰ و روش داده‌های پانلی خودرگرسیون برداری (PanelVAR) استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از شوک واردشده از ناحیه اعتبارات بودجه‌ای اثر مثبتی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور داشته است. همچنین، این شوک به توزیع نامناسب‌تر درآمد در استان‌های کشور منجر شده است. اثرات سیاست پولی نیز بر متغیرهای رشد اقتصادی و توزیع درآمد مانند مخارج دولت بوده است؛ اما شدت اثرگذاری سیاست پولی از سیاست مالی بیشتر بوده است.

با مرور نتایج مطالعات پیشین درباره مکان‌یابی بنگاه‌ها، عوامل مؤثر بر انتخاب مکان یک فعالیت اقتصادی را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد. دسته‌ای از مطالعات انجام‌شده، میزان دسترسی بنگاه به نهاده‌ها، بازار مصرف و زیرساخت‌های کافی و مناسب را عاملی اساسی در تصمیم‌گیری و انتخاب مکان یک فعالیت اقتصادی دانسته‌اند. دسته‌ای دیگر به پتانسیل رشد اقتصادی منطقه و مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی اشاره دارند و دسته‌ای دیگر به نقش پررنگ صرفه‌های تجمع (صرفه‌های شهرنشینی و صرفه‌های محلی‌شدن) در انتخاب مکان استقرار بنگاه اشاره دارند. در این پژوهش سعی شده است با انتخاب متغیرهای مناسب اثرگذاری هر سه دسته عوامل بالا بررسی شوند.

روش‌شناسی پژوهش

انتخاب و تصریح مدل

در این پژوهش برای بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب مکان فعالیت صنایع پوشاک و تمرکز آنها از پژوهش سریدر و وان (۲۰۱۰) استفاده شده است. آنها عوامل مؤثر بر مکان‌یابی بنگاه را به سه دسته کلی تقسیم می‌کنند. دسته اول متغیرهای جغرافیایی اقتصادی؛ دسته دوم متغیرهای زیربنایی، خدماتی و متغیرهای مربوط به قوانین و مقررات دولتی و دسته سوم ویژگی‌های بنگاه هستند. در این پژوهش برای سنجش اثرگذاری متغیرهای جغرافیایی اقتصادی از متغیرهای وقفه تمرکز جغرافیایی صنایع پوشاک، نخست شهری استان، سهم استان از کل جمعیت کشور و سهم استان از موجودی سرمایه کشور استفاده شده است. استفاده از متغیر وقفه تمرکز جغرافیایی به‌عنوان متغیر توضیحی در مدل به این دلیل است که

سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌ها به شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور را با استفاده از روش گروه کنترل ترکیبی (SCM) در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۷۵ بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهند این معافیت‌های مالیاتی تأثیری بر ورود شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور نداشته است. ایزدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی، تأثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ (ق.م.م) با استفاده از روش گروه کنترل ترکیبی (SCM) بر ایجاد اشتغال در مناطق کمتر توسعه‌یافته ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهند معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم تأثیری بر اشتغال مناطق کمتر توسعه‌یافته نداشته است. برای و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود، محرک‌های توسعه منطقه‌ای در ایران را با رویکرد اقتصادسنجی فضایی بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها بیان‌کننده تأثیر چشمگیر عوامل سیاستی، به‌ویژه سیاست مالی بر افزایش سطح توسعه منطقه‌ای یا کاهش نابرابری بین استان‌ها است. حاجی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مخارج دولت و رشد منطقه‌ای در ایران رهیافت اقتصادسنجی فضایی»، تأثیر مخارج مصرفی دولت بر رشد منطقه‌ای ایران را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش بیان‌کننده اثر منفی مخارج مصرفی دولت، رشد جمعیت و سرمایه انسانی بر رشد منطقه‌ای در ایران است و معناداری متغیر وابستگی فضایی نشان‌دهنده آثار مثبت سرریز ناشی از رشد اقتصادی در مناطق است. ایزدخواستی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ (ق.م.م) بر تعداد و ارزش افزوده واحدهای صنعتی ایجادشده در مناطق مشمول معافیت در ایران» را با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۵ انجام داده‌اند. نتایج نشان داده‌اند حجم سرمایه فیزیکی، تعداد شاغلان، هزینه‌های عمرانی دولت و تسهیلات پرداختی بانکی به بخش صنعت اثرات مثبتی بر تعداد و ارزش افزوده واحدهای صنعتی داشته است؛ اما معافیت‌های مالیاتی ماده ۱۳۲ بر تعداد و ارزش افزوده واحدهای صنعتی در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته اثرگذار نبوده است. گودری فراهانی و خلیلی عراقی (۱۴۰۱) پژوهشی را با هدف بررسی ارتباط بین اعتبارات بودجه‌ای دولت و اعتبارات بانکی براساس سیاست مالی و پولی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استان‌های کشور انجام داده‌اند. در این راستا اعتبارات تخصیص

رابطه (۳) به عنوان مدل پژوهش با استفاده از داده های موجود در سایت مرکز آمار ایران برای ۲۸ استان^۱ ایران در دوره زمانی^۲ ۱۳۸۱-۱۳۹۹ با نرم افزار ایویوز و روش گشتاورهای تعمیم یافته برآورد شده است.

معرفی متغیرهای استفاده شده در مدل

تمرکز بنگاه ها: برای سنجش میزان تمرکز جغرافیایی بنگاه ها، شاخص های مختلفی وجود دارند که به شاخص الیسون - گلاسر^۳، ناکامورا - پیل^۴ و هریشمن - هرفیندال^۵ می توان اشاره کرد. الیسون و گلاسر متغیر $G = \sum_i (S_i - x_i)^2$ را به عنوان معیاری برای محاسبه تمرکز جغرافیایی پیشنهاد می کنند که در آن S_i سهم منطقه i در اشتغال صنعت بررسی شده است و x_i سهم ناحیه i در اشتغال کل مناطق (اشتغال کشور) است (مهرگان و تیموری، ۱۳۹۱). شاخص ناکامورا و پیل به صورت $S = \frac{X_j}{X}$ تعریف می شود که X ارزش افزوده کل کشور در بخش صنعت و X_j ارزش افزوده بخش صنعت منطقه j (که در اینجا j معرف استان است) را نشان می دهد (دهقان شبانی و اکبری، ۱۳۹۴). در این پژوهش از شاخص هریشمن - هرفیندال استفاده شده است^۶ که این شاخص به صورت زیر تعریف می شود (دهقان شبانی، ۱۳۹۲):

^۱ به علت عدم تشکیل استان البرز در ابتدای دوره تحقیق داده های آن با تهران ادغام شده اند. همچنین، به دلیل مشابه استان های خراسان جنوبی و خراسان شمالی در استان خراسان رضوی ادغام شده اند.
^۲ در زمان انجام این پژوهش آخرین داده های منتشر شده برای حساب های منطقه ای ایران تا سال ۱۳۹۹ است.

^۳ Ellison & Glaeser

^۴ Nakamura & Paul

^۵ Herfindahl & Hirschman

^۶ علت انتخاب این شاخص دسترسی به داده های لازم (ارزش افزوده صنایع استان ها به تفکیک زیربخش ها) برای محاسبه آن است (به علت ناقص بودن آمار شاغلان استان ها در زیربخش صنایع تولیدی پوشاک، قادر به استفاده از شاخص الیسون و گلاسر نبوده ایم)؛ ضمن اینکه شاخص هریشمن - هرفیندال یکی از پرکاربردترین شاخص های سنجش تمرکز است (برای مثال، دهقان شبانی ۱۳۹۲) و مقصود پور (۱۳۹۶) نیز از آن استفاده کرده اند. کاربرد شاخص ناکامورا و پیل بیشتر در زمانی است که تمرکز جغرافیایی کل صنعت سنجیده شود؛ اما برای سنجش تمرکز جغرافیایی زیربخش ها (مانند زیربخش صنعت تولید پوشاک) شاخص هریشمن - هرفیندال مناسب تر است. شاخص هریشمن - هرفیندال در واقع همان شاخص ناکامورا و پیل است که بر سهم هر استان از کل صنایع کشور تقسیم می شود و به این ترتیب مقدار شاخص تمرکز برای استان های صنعتی، کمتر و برای غیرصنعتی (یا کمتر صنعتی) بیشتر می شود.

می تواند منعکس کننده اثر صرفه های محلی شدن باشد. متغیر نخست شهری نیز به عنوان متغیری به کار گرفته شده است که اثر صرفه های شهرنشینی بر مکان یابی بنگاه ها را نشان می دهد؛ ضمن آنکه سهم استان از جمعیت کشور و سهم استان از موجودی سرمایه کل کشور هم می تواند منعکس کننده شرایط جغرافیایی و اقتصادی هر استان باشد و هم پتانسیل رشد اقتصادی منطقه را نشان می دهد. همچنین، از متغیر سهم هر استان از کل بودجه عمرانی کشور در هر سال برای سنجش اثر زیرساخت ها در انتخاب مکان فعالیت بنگاه استفاده شده است. برای سنجش اثر متغیرهای مربوط به قوانین و مقررات دولتی از معافیت های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات های مستقیم استفاده شده است. با این تفاسیر مدل استفاده شده در این پژوهش به شکل رابطه (۱) تعریف می شود:

$$Fc_{it} = \alpha + \beta X_{it} + \lambda G_{it} + \delta D_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در اینجا، Fc تمرکز جغرافیایی صنایع تولیدی پوشاک، X بردار متغیرهای جغرافیایی اقتصادی، G_i متغیر سهم هر استان از کل بودجه عمرانی کشور، D_{it} متغیر معافیت های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات های مستقیم، ε جزء اخلاص مدل و i و t به ترتیب نشان دهنده استان و سال هستند. با جای گذاری متغیرهای جغرافیایی اقتصادی مدنظر در بردار X ، رابطه (۱) به شکل رابطه (۲) تصریح می شود:

$$Fc_{it} = \alpha + \tau Fc_{i(t-1)} + \eta Po_{it} + \gamma Pr_{it} + \delta Sa_{it} + \lambda G_{it} + \beta D_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

در این رابطه، Fc_{t-1} ، Po ، Pr ، Sa ، G و D به ترتیب تمرکز بنگاه ها با یک دوره وقفه، سهم استان از جمعیت کشور، نخست شهری، سهم استان از موجودی سرمایه کشور، سهم هر استان از کل بودجه عمرانی کشور و معافیت های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات های مستقیم هستند.

در نهایت، با گرفتن لگاریتم از دو طرف رابطه (۲) مدل نهایی به شکل رابطه (۳) در می آید. مزیت گرفتن لگاریتم از متغیرها این است که علاوه بر انجام بهتر برآورد مدل، می توان نتایج حاصل را به صورت کشش تعبیر و تفسیر کرد؛ به گونه ای که ضرایب متغیرها نشان دهنده کشش آن متغیر نسبت به متغیر وابسته هستند. در این رابطه (L) نشان دهنده لگاریتم است.

$$LFC_{it} = \alpha + \tau LFC_{i(t-1)} + \eta LPO_{it} + \gamma LPR_{it} + \delta LSA_{it} + \lambda LG_{it} + \beta LD_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

$$Fc = \frac{\left(\frac{x_{kj}}{x_j}\right)^2}{\left(\frac{x_k}{x}\right)^2} \quad \text{رابطه (۴)}$$

جمعیت شهری آن استان محاسبه شده است. این متغیر برای سنجش دسترسی بنگاه به بازار متمرکز نزدیک (در داخل استان) استفاده شده است؛ ضمن اینکه وجود نخست شهر باعث شکل‌گیری صرفه‌های شهرنشینی می‌شود و تمایل بنگاه‌ها به استقرار در نزدیکی این شهرها (برای استفاده از این صرفه‌ها) را افزایش می‌دهد.

سهم استان از جمعیت کشور: برای محاسبه این متغیر جمعیت هر استان در سال‌های مختلف بر جمعیت کشور در آن سال تقسیم شده است. آمار مربوط به جمعیت استان‌ها و کشور از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است. با توجه به اینکه آمار جمعیت مطابق سرشماری‌های انجام شده موجود است، برای سال‌هایی که آماری از جمعیت در دسترس نبوده است، با استفاده از میانگین نرخ رشد جمعیت در طول دوره، تخمین جمعیت انجام گرفته است.

شاخص معافیت‌های مالیاتی استان: براساس ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، درآمد مشمول مالیات ابرازشده ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی در بخش‌های تعاونی و خصوصی که از اوایل سال ۱۳۸۱ به بعد از طرف وزارتخانه‌های ذیربط برای آنها پروانه بهره‌برداری، صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد شده است، از تاریخ شروع بهره‌برداری یا استخراج به میزان ۸۰ درصد و به مدت چهار سال و در مناطق کمتر توسعه‌یافته به میزان ۱۰۰ درصد و به مدت ۱۰ سال از مالیات موضوع ماده ۱۰۵ این قانون معاف هستند. برای ساختن شاخص معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، از نسبت مالیات شرکت‌های تولیدی به کل مالیات استان استفاده شده است؛ براساس این، در استان‌هایی که میزان معافیت مالیاتی واحدهای صنعتی بیشتر است، نسبت مذکور کمتر خواهد بود.

در این رابطه، Fc تمرکز جغرافیایی بنگاه‌ها را نشان می‌دهد. x_{kj} ارزش افزوده صنعت k (در این پژوهش صنایع پوشاک) را در استان j نشان می‌دهد. X_j ارزش افزوده کل صنایع استان j را نشان می‌دهد (به این ترتیب صورت کسر سهم ارزش افزوده صنعت k را از ارزش افزوده کل صنایع هر استان نشان می‌دهد). در مخرج کسر دو عبارت X و X_k وجود دارند که به ترتیب نشان‌دهنده مجموع ارزش افزوده کل صنایع پوشاک کشور و ارزش افزوده کل صنایع کشور هستند (به این ترتیب مخرج کسر سهم صنعت k را از کل ارزش افزوده صنایع کشور نشان می‌دهد). به این ترتیب، متغیر تمرکز صنایع پوشاک در مدل به صورت نسبت سهم ارزش افزوده صنایع پوشاک هر استان به سهم ارزش افزوده صنایع پوشاک کشور تعریف می‌شود. مقدار بیشتر این شاخص نشان‌دهنده تمرکز بیشتر است. داده‌های مورد نیاز برای محاسبه شاخص تمرکز صنایع پوشاک هر استان از آمار حساب‌های منطقه‌ای ایران موجود در سایت مرکز آمار ایران استخراج شده است. جدول (۱) سهم استان‌ها از ارزش افزوده صنعت تولید پوشاک کشور و نیز تمرکز بنگاه‌های این صنعت در استان‌های مختلف را نشان می‌دهد.

سهم استان از بودجه عمرانی کشور: برای محاسبه این متغیر بودجه عمرانی هر استان در سال‌های مختلف بر کل بودجه عمرانی کشور در آن سال تقسیم شده است. آمار مربوط به بودجه استان‌ها و کشور از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است.

نخست شهری: نخست شهری به سهم بزرگ‌ترین شهر منطقه (استان) از کل جمعیت شهری اشاره دارد. این متغیر از تقسیم جمعیت بزرگ‌ترین شهر نظام شهری هر استان به کل

جدول ۱- سهم هر استان از ارزش افزوده صنایع پوشاک کشور و شاخص تمرکز هر استان (متوسط دوره)

Table 1- The share of each province in the added value of the country's clothing industries and the concentration index of each province (period average)

شاخص تمرکز HHI	سهم استان از ارزش افزوده صنعت پوشاک کشور (درصد)	نام استان	ردیف	شاخص تمرکز HHI	سهم استان از ارزش افزوده صنعت پوشاک کشور (درصد)	نام استان	ردیف
۰/۱۶۳	۱/۷۳	مرکزی	۱۵	۷/۵۶۲	۵۱/۴	تهران ^۱	۱
۰/۰۶۳	۰/۱۳	چهارمحال و بختیاری	۱۶	۱/۱۹۱	۵۵/۵	خراسان رضوی ^۲	۲
۱/۲۱۴	۱/۷۳	زنجان	۱۷	۰/۳۹۳	۱/۸۸	فارس	۳
۰/۴۹۶	۰/۹	قم	۱۸	۱/۵۳۳	۸/۴۷	آذربایجان شرقی	۴
۰/۹۴۳	۱/۰۲	سیستان و بلوچستان	۱۹	۰/۱۱۲	۲/۶۰	خوزستان	۵
۲/۴۰۸	۰/۹۳	لرستان	۲۰	۱/۲۵	۲/۶۵	مازندران	۶
۰/۰۵۴	۰/۳۸	سمنان	۲۱	۱/۱۵۳	۱/۵۹	آذربایجان غربی	۷
۰/۷۱۹	۰/۷۱	اردبیل	۲۲	۰/۰۴۰	۱/۹۸	اصفهان	۸
۰/۱۳۹	۱/۳۲	یزد	۲۳	۲/۳۵۲	۲/۶۵	گیلان	۹
۴/۳۱۱	۰/۸	کردستان	۲۴	۰/۰۲۵	۰/۵	قزوین	۱۰
۲/۹۴۶	۴/۷	هرمزگان	۲۵	۱/۱۵۹	۱/۲۵	کرمانشاه	۱۱
۰/۰۰۱	۰/۲۸	بوشهر	۲۶	۰/۰۸۸	۱/۱۲	کرمان	۱۲
۵/۵۱۴	۱/۲۶	کهگیلویه و بویراحمد	۲۷	۰/۷۳۴	۰/۷۸	همدان	۱۳
۱/۹۲۶	۰/۳۲	ایلام	۲۸	۲/۲۴	۱/۰۳	گلستان	۱۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

^۱ سهم استان تهران از ارزش افزوده صنعت پوشاک کشور بدون الیرز حدود ۴۹ درصد است.

^۲ سهم استان خراسان رضوی از ارزش افزوده صنعت پوشاک بدون احتساب خراسان‌های شمالی و جنوبی حدود ۴/۳۰ درصد است.

روش تخمین مدل

با حضور وقفه متغیر وابسته (FC_{it-1}) در میان متغیرهای توضیحی به صورت وقفه در طرف راست، برآوردهای OLS از سازگاری لازم برخوردار نیستند؛ براساس این روش‌های برآورد دو مرحله‌ای 2SLS یا GMM می‌توانند استفاده شوند. براساس نظر ماتیس و سوستر^۱ برآورد 2SLS به دلیل انتخاب نادرست متغیرهای ابزاری، ضمن ایجاد واریانس‌های بزرگ برای ضرایب، عدم معنی‌داری آماری را نیز در پی دارد؛ بنابراین،

سهم استان از موجودی سرمایه کشور: متغیر سهم استان از موجودی سرمایه کشور از تقسیم موجودی سرمایه هر استان بر کل موجودی سرمایه کشور محاسبه شده است. داده‌های مربوط به این متغیر برای سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۱ از مقاله «فاصله اقتصادی و رشد منطقه‌ای در ایران» (دهقان شبانی و اکبری: ۱۳۹۴) دریافت شده و برای بقیه سال‌ها با روش مشابه محاسبه شده‌اند.

^۱ Matias & Suster

کاذب روش‌های تفاضل‌گیری و آزمون هم‌انباشتگی وجود دارد؛ اما هنگام استفاده از تفاضل متغیرها در برآورد ضرایب الگو، اطلاعات ارزشمندی در رابطه با سطح متغیرها از دست می‌رود؛ بنابراین، این روش برای جلوگیری از اتکا به رگرسیون کاذب مناسب نیست. برای رفع این مشکل از آزمون هم‌انباشتگی می‌توان استفاده کرد. مفهوم هم‌انباشتگی تداعی‌کننده وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند (نوفرتی، ۱۳۸۹).

در تحلیل‌های آزمون هم‌انباشتگی پانلی، وجود روابط بلندمدت اقتصادی آزمون می‌شوند. ایده اصلی در تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی این است که اگرچه بسیاری از سری‌های زمانی اقتصادی نامانا (حاوی روندهای تصادفی) هستند، ممکن است در بلندمدت ترکیب خطی این متغیرها، مانا (و بدون روند تصادفی) باشند (بهرامی و پهلوانی، ۱۳۹۳).

در صورت نامانایی متغیرهای مدل اگر بین آنها هم‌انباشتگی برقرار باشد، نتایج حاصل از تخمین مدل قابل اعتماد خواهد بود. در این مقاله به منظور بررسی آزمون هم‌انباشتگی در مدل از دو روش پدرونی^۴ و کائو^۵ استفاده شده است. نتایج این آزمون‌ها (با فرضیه صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی برای این دو آزمون) در جدول‌های (۳) و (۴) آمده‌اند.

جدول ۳- نتایج آزمون هم‌انباشتگی پدرونی

Table 3- The results of the Pedroni cointegration test

ردیف	Pedroni Cointegration	با عرض از مبدأ		با عرض از مبدأ و روند	
		آماره آزمون	p-value	آماره آزمون	p-value
۱	Panel v-Statistic	-۳/۳۹۵	۰/۹۹۸	-۲/۸۳۷	۰/۹۸۷
۲	Panel rho-Statistic	۳/۴۸۵	۰/۹۸۹	۴/۵۸۳	۱/۰۰۰
۳	Panel PP-Statistic	-۲/۸۱۱	۰/۰۰۱	-۸/۸۰۲	۰/۰۰۰
۴	Panel ADF-Statistic	-۵/۳۵۷	۰/۰۰۰	-۹/۱۶۷	۰/۰۰۰
۵	Group rho-Statistic	۵/۴۵۲	۱/۰۰۰	۸/۵۰۱	۱/۰۰۰
۶	Group PP-Statistic	-۶/۱۰۶	۰/۰۰۰	۸/۷۳۰	۰/۰۰۱
۷	Group ADF-Statistic	-۳/۷۴۱	۰/۰۰۴	-۳/۴۳۷	۰/۰۰۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

روش گشتاور تعمیم‌یافته (GMM) توسط آرلانو و باند^۱ برای حل این مشکل پیشنهاد شده است (مکیان و همکاران، ۱۳۹۱). روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای به دست آوردن پارامترهای سازگار، به تعداد دوره‌های زمانی زیادی نیازمند نیست و برای پانل‌هایی با دوره زمانی کم و مقاطع زیاد نیز مناسب است. همچنین، خودهمبستگی محدودی در جمله خطای منجر شده از معادله تخمین‌زنده‌های GMM، برای برآورد داده‌های پانل پویا در نظر گرفته می‌شود (Arellano and Bond, 1991).

تخمین مدل و تفسیر یافته‌های پژوهش

بررسی مانایی متغیرها

گام اول در برآورد الگوی مدنظر، بررسی مانایی متغیرها است که براساس آزمون لوین - لین و چاو^۲ و آزمون فیشر - دیکی فولر تعمیم‌یافته^۳ صورت گرفته است که آزمون‌های مربوط به داده‌های پانل هستند. با توجه به نتایج ارائه‌شده آزمون مانایی متغیرها در جدول (۲)، ملاحظه می‌شود متغیرهای تمرکز بنگاه‌ها، نخست شهری و نسبت جمعیت استان به کشور در سطح مانا هستند؛ اما متغیرهای دیگر نامانا بوده و با یک بار تفاضل‌گیری مانا شده‌اند.

جدول ۲- نتایج حاصل از بررسی ایستایی متغیرها

Table 2- The results of examining the stationarity of variables

ردیف	نام متغیر	آزمون لوین، لین و چاو		آزمون فیشر - دیکی فولر تعمیم‌یافته*	
		آماره	احتمال	آماره	احتمال
۱	LFc	-۱۴/۱۳۹	۰/۰۰۰	۱۵۹/۸۱۶	۰/۰۰۲۱
۲	Di	-۲/۲۷۱۰۲	۰/۰۰۰	۱۲۱/۱۱۹	۰/۰۰۰۳
۳	LPr	-۳۶/۲۶۳۶	۰/۰۰۰	۶۶/۶۰۲۵	۰/۰۰۳۰۸
۴	LSa	-۴/۳۱۷۵۸	۰/۰۰۰	۹۵/۱۴۶	۰/۰۰۰۲
۵	LPo	-۲/۱۴۸۰۴	۰/۰۰۹	۱۴/۲۷۶۳	۰/۰۸۳۳
۶	LG _i	-۳/۲۶۰۰۱	۰/۰۰۰۶	۱۲/۲۲۱۰۲	۰/۰۰۸۳

* وقفه انتخابی برای آماره ADF-Fisher توسط معیار شوارتز انتخاب شده است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آزمون هم‌انباشتگی داده‌های پانلی

تخمین مدل در حالت نامانا بودن متغیرها باعث ایجاد رگرسیون کاذب در مدل می‌شود. برای جلوگیری از اتکا به رگرسیون

^۴ Pedroni

^۵ Kao

^۱ Arellano & Bond

^۲ Levin, Lin & Chu

^۳ Fisher- ADF

نشان می دهند یک ارتباط قوی بلندمدت میان متغیر تمرکز صنایع پوشاک با متغیرهای توضیحی مدل وجود دارد.

تخمین مدل

در این قسمت، مدل زیر با استفاده از روش Panel-GMM تخمین شده است:

$$LFC_{it} = \alpha + \tau LFC_{i(t-1)} + \eta LPo_{it} + \gamma LPr_{it} + \delta LSa_{it} + \lambda LG_{it} + \beta LD_{it} + \varepsilon_{it}$$

به این منظور از نرم افزار Eviews 10 استفاده شده است که نتایج تخمین در جدول (۵) مشاهده می شوند.

جدول ۴- نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو با استفاده از آماره ADF
Table 4- Results of Kao cointegration test using ADF statistic

ردیف	آماره	احتمال	نتیجه آزمون
۱	۱/۸۱۳۹۱۱	۰/۰۳۴۶	فرضیه صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی در مدل رد می‌شود

مأخذ: یافته‌های پژوهش

براساس نتایج ارائه شده در جدول‌های (۳) و (۴) ملاحظه می‌شود که هم‌انباشتگی یا وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل در دو آماره گروه PP و ADF و در دو آماره پانل PP و ADF مربوط به آزمون پدرونی و آماره مربوط به آزمون کائو، در سطح یک درصد پذیرفته می‌شود. این نتایج

جدول ۵- نتایج تخمین مدل (Panel GMM)

Table 5- Model estimation results (Panel GMM)

ردیف	متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (p)
۱	تمرکز بنگاه‌ها با یک دوره وقفه (Fc (-1))	۰/۲۸۱۰۲	۰/۰۱۹۹۵	۱۳/۰۳۸۴۳	۰/۰۰۰۱
۲	نخست شهری (Pr)	۱/۰۲۷۱۴	۰/۵۴۳۷۹	۲/۰۲۰۳۵	۰/۰۴۱۳
۳	نسبت سرمایه استان به کشور (Sa)	۰/۱۶۵۱۶	۰/۰۷۹۶۴۱	۱/۷۴۶۸۲	۰/۰۸۶۷
۴	نسبت جمعیت استان به کشور (Po)	۰/۳۰۱۱۸	۰/۳۲۴۰۷۵	۰/۸۰۸۲۱	۰/۴۱۷۶
۵	سهم استان از بودجه عمرانی کشور (G)	۰/۰۶۷۷۱۴	۰/۰۰۸۸۲۸	۸/۴۲۵۶۹	۰/۰۰۰۰
۶	معافیت مالیاتی ماده ۱۳۲ (D)	۰/۰۴۱۰۱۴	۰/۰۷۰۷۱۴	۰/۵۸۷۱۴	۰/۵۵۸۱۴
۷	آزمون سارگان	J آماره = ۲۶/۳۰۰۲۷		سطح احتمال آماره J = ۰/۲۸۶۲۴	
۸	آزمون خودهمبستگی مرتبه اول (AR (1))	Prob AR (1) = ۰/۰۰۰۱			
۹	آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم (AR (2))	Prob AR (2) = ۰/۳۱۷۲			

* متغیر وابسته تمرکز بنگاه‌ها است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همبستگی سریالی مرتبه دوم (AR (2)) نداشته باشند (دهقان شبانی، ۱۳۹۲). براساس مقادیر آزمون سارگان و آزمون همبستگی پسماندهای مرتبه اول (AR (1)) و مرتبه دوم (AR (2)) در جدول (۶)، صحت اعتبار نتایج مدل آزمون شده براساس روش GMM تأیید می‌شود.

تفسیر یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول (۵) مشاهده می‌شوند که در ادامه، نتایج پژوهش تفسیر شده‌اند.

- ضریب متغیر تمرکز بنگاه‌ها با یک دوره وقفه اثر مثبت و معنی‌داری را بر تمرکز بنگاه‌ها دارد که با مبانی نظری جغرافیای

برای ایجاد اطمینان در خصوص مناسب بودن روش GMM برای برآورد مدل از دو آزمون استفاده می‌شود (مقصودپور، ۱۳۹۶).

۱- آزمون سارگان برای اثبات شرط اعتبار تشخیص بیش ازحد، یعنی صحت و اعتبار متغیرهای ابزاری به کار می‌رود که فرضیه صفر این آزمون نشان‌دهنده متغیرهای ابزاری مناسب است.

۲- آزمون همبستگی پسماندهای مرتبه اول (AR (1)) و مرتبه دوم (AR (2)) است که این آزمون نیز برای بررسی اعتبار و صحت متغیرهای ابزاری استفاده می‌شود.

آرلانو و باند (۱۹۹۱) بیان می‌کنند در تخمین GMM باید جملات اخلاص همبستگی مرتبه اول (AR (1)) داشته باشند؛ اما

که هر چقدر یک استان سهم بیشتری از بودجه عمرانی کشور را داشته باشد، قادر خواهد بود زیرساخت‌های بیشتر و شرایط مناسب‌تری را برای فعالیت اقتصادی شرکت‌ها فراهم کند و تمرکز بیشتری از صنایع در آن استان رخ خواهد داد.

- ضریب متغیر معافیت‌های مالیاتی مثبت است؛ اما از نظر آماری بی‌معنی شده است که نشان می‌دهد اگرچه معافیت مالیاتی در یک استان می‌تواند باعث سرمایه‌گذاری بیشتر در آن استان شود، به نظر می‌رسد مقدار این معافیت‌ها آنقدر برای بنگاه‌ها چشمگیر نبوده است که بتواند بر منافع ناشی از تمرکز در استان‌های پرجمعیت و بیشتر برخوردار فائق آید.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه چگونگی توزیع صنایع تولیدی پوشاک بین استان‌های کشور نشان‌دهنده تمرکز این صنایع در تعداد معدودی از استان‌ها است؛ به طوری که حدود ۷۰ درصد از کل ارزش افزوده ایجادشده صنایع تولیدی پوشاک در کشور تنها متعلق به ۴ استان تهران، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و هرمزگان است. در این پژوهش برای شناسایی عوامل مؤثر بر تمرکز صنایع تولیدی پوشاک و تأثیر سیاست‌های مالی دولت در پراکندگی این صنایع بین استان‌های کشور، از داده‌های پانل پویا و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) در دوره زمانی ۱۳۹۹-۱۳۸۱ برای ۲۸ استان کشور استفاده شده است. همچنین، برای سنجش تمرکز جغرافیایی صنایع تولیدی پوشاک از شاخص تمرکز هریشمن - هرفیندال (HHI) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند با افزایش نخست شهری استان‌ها، افزایش سهم استان از موجودی سرمایه و افزایش سهم بودجه عمرانی استان از کشور، تمرکز صنایع تولیدی پوشاک افزایش می‌یابد. رابطه مستقیم نخست شهری و تمرکز صنایع نشان می‌دهد این صنایع تمایل به استقرار در نزدیکی نخست شهرها را دارند تا بتوانند علاوه بر استفاده از صرفه‌های ناشی از شهرنشینی، اندازه بازار پیش‌روی خود را گسترش دهند. همچنین، سیاست مالی دولت اگر به شکل افزایش بودجه عمرانی در استان باشد، زمینه و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد و تمرکز بیشتری از صنایع در آن استان مشاهده می‌شود. با این حال، نتایج پژوهش نشان می‌دهند سیاست معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم نتوانسته است در جابه‌جایی صنایع به سمت

اقتصادی جدید مطابقت دارد. مقدار ضریب این متغیر نشان می‌دهد یک افزایش یک درصدی در تمرکز بنگاه‌ها در یک سال مشخص، باعث افزایش ۰/۲۸ درصدی در تمرکز بنگاه‌ها در سال بعد می‌شود. علت این امر وجود صرفه‌های ناشی از محلی شدن در صنایع تولیدی پوشاک کشور است.

- ضریب متغیر نخست شهری، مثبت و از نظر آماری معنی‌دار شده است. کشش این متغیر نسبت به متغیر وابسته ۱/۰۲ درصد به دست آمده است که بین متغیرهای توضیحی بیشترین مقدار را دارد. مکان‌های نزدیک به نخست شهر به دو دلیل برای مکان‌یابی بنگاه‌ها جذابیت دارند. دلیل نخست، وجود صرفه‌های شهرنشینی است که مطابق مبانی نظری و مطالعات دهقان شبانی (۱۳۹۲)، مقصودپور (۱۳۹۶)، صالح‌نیا و مقصودپور (۱۴۰۰)، کامپی و همکاران^۱ (۲۰۰۴)، مارسال^۲ (۲۰۰۴) و دوراکس و همکاران^۳ (۲۰۰۷) اثر مثبت و معنی‌داری بر مکان‌یابی بنگاه‌ها دارد. دلیل دوم این است که نخست شهر اندازه بازار بنگاه را گسترده‌تر می‌کند. ضریب این متغیر نشان می‌دهد با افزایش نخست شهری در یک استان، تمرکز صنایع پوشاک در آن استان افزایش خواهد یافت.

- سهم استان از موجودی سرمایه (به‌عنوان یکی از عوامل تولید) کشور نیز اثر مثبت بر تمرکز صنایع پوشاک دارد و نشان می‌دهد یک افزایش یک درصدی در سهم استان از موجودی سرمایه کشور، باعث افزایش ۰/۱۶ درصدی تمرکز صنایع تولیدی پوشاک در آن استان می‌شود.

- متغیر سهم استان از جمعیت کشور هرچند مثبت شده است و نشان می‌دهد تمرکز صنایع پوشاک در استان‌های پرجمعیت می‌تواند بیشتر باشد، از نظر آماری تأیید نشده است. دلیل معنی‌دار شدن این متغیر می‌تواند به مواردی از قبیل وسعت استان و پراکندگی جمعیت مرتبط باشد؛ زیرا برای بنگاه‌ها دسترسی به جمعیت متراکم حائز اهمیت است. همچنین، با توجه به اینکه تحرک‌پذیری نیروی کار بین استان‌ها وجود دارد، در صورت نیاز به نیروی کار در یک استان امکان تأمین آن از سایر استان‌ها وجود دارد.

- ضریب متغیر سهم استان از بودجه عمرانی کشور مثبت و معنی‌دار شده است. این امر مطابق انتظار بوده است و با مبانی نظری جغرافیای اقتصادی جدید همخوانی دارد؛ علت این است

¹ Campi et al.

² Marsal

³ Devereux et al.

معافیت مالیاتی استفاده شود که بتواند کارایی لازم را برای رسیدن به هدف قانون‌گذار داشته باشد.

منابع

ایزدخواستی، حجت و همکاران (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ (ق.م.م) بر تعداد و ارزش افزوده واحدهای صنعتی ایجادشده در مناطق مشمول معافیت در ایران»، *اقتصاد و الگوسازی*، دوره ۲، شماره ۱۲، ص ۳۰-۱.

ایزدی، سیدحسین و همکاران (۱۳۹۷). «تأثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده (۱۳۲) در ایجاد اشتغال در مناطق توسعه‌یافته کشور»، *مجلس و راهبرد*، دوره ۲۵، شماره ۹۳، ص ۹۸-۶۵.

براتی، جواد و همکاران (۱۳۹۷). «بررسی محرک‌های توسعه منطقه‌ای در ایران: رویکرد اقتصادسنجی فضایی»، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۱۵، شماره ۱، ص ۸۷-۶۶.

بهرامی، جابر و پهلوانی، مصیب (۱۳۹۳). «تأثیر جهانی‌شدن بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب MENA با استفاده از روش GMM»، *مجله اقتصاد توسعه منطقه‌ای*، سال ۲۱، شماره ۸، ص ۲۲۶-۲۰۵.

دهقان شبانی، زهرا (۱۳۹۲). «تأثیر چگالی جمعیت بر تمرکز فعالیت‌های صنعتی و رشد منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۱۸، شماره ۵۴، ص ۹۲-۵۵.

دهقان شبانی، زهرا و اکبری، نعمت‌الله (۱۳۹۴). «فاصله اقتصادی و رشد منطقه‌ای در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، سال ۱۵، شماره ۲، ص ۲۲۲-۲۰۳.

رجب‌پور، حسین و همکاران (۱۴۰۱). «سنجش اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر در ایران براساس رهیافت SVAR»، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۲۷، شماره ۹۰، ص ۳۹-۹.

حاجی، غلامعلی و همکاران (۱۳۹۹). «مخارج دولت و رشد منطقه‌ای در ایران (رهیافت اقتصادسنجی فضایی)»، *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، دوره ۲۰، شماره ۴، ص ۱۵۷-۱۷۵.

استان‌های محروم موفق باشد و رابطه به‌دست‌آمده از نظر آماری معنی‌دار نیست. همچنین، ضریب مثبت و معنی‌دار وقفه متغیر وابسته در مدل نشان می‌دهد صنایع پوشاک برای استفاده از صرفه‌های محلی‌شدن تمایل به تمرکز و فعالیت در کنار هم‌دیگر را دارند.

تمرکز جغرافیایی بنگاه‌ها در کنار یکدیگر به آن علت صورت می‌گیرد که منافع تمرکز بر هزینه‌های آن غلبه می‌کند؛ اما ممکن است تمرکز بنگاه‌ها در نقاط مشخص از نظر عدالت اجتماعی مطلوب و درخور توجه دولت نباشد. به این معنی که دولت تمرکززدایی و رشد متوازن استان‌ها را بر منافع فردی و گروهی بنگاه‌ها ترجیح دهد و با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد سعی در پراکندگی بنگاه‌ها و استقرار آنها در نقاط مختلف کشور داشته باشد؛ بنابراین، در این راستا و با توجه به نتایج پژوهش، توصیه‌های سیاستی زیر صورت می‌گیرند.

- بنگاه‌ها در انتخاب مکان خود به میزان دسترسی به زیرساخت‌ها و کیفیت آنها توجه می‌کنند و نتایج پژوهش نشان می‌دهند بین شاخص سهم استان از بودجه عمرانی کشور به عنوان متغیری که اثر زیرساخت‌ها را بر انتخاب مکان و تمرکز بنگاه نشان می‌دهد و تمرکز صنایع پوشاک رابطه مستقیمی وجود دارد؛ بنابراین، تخصیص سهمی بیشتر از بودجه عمرانی کشور به استان‌های محروم می‌تواند در استقرار بنگاه‌ها در این مناطق مؤثر واقع شود.

- معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم به‌عنوان یک ابزار سیاست مالی در دست دولت می‌تواند مؤثر باشد؛ اما نتایج پژوهش اثرگذاری آن را در تصمیمات مکان‌یابی بنگاه‌ها تأیید نمی‌کند. باید توجه داشت چنانچه با اعمال این سیاست‌های پرهزینه، تصمیمات سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها تغییر یابد و پراکنده شوند، تضمینی وجود ندارد که منافع ایجادشده بیش از منافع پیشین باشد؛ بنابراین، توصیه می‌شود در مطالعات آتی هزینه - فایده تمرکز بنگاه‌ها و پراکندگی آنها بررسی و مقایسه شود. در صورت اطمینان از برتری فواید اجتماعی پراکندگی بنگاه‌ها بر تمرکز آنها، برای اثرگذاری متغیر معافیت‌های مالیاتی لزوم بازنگری در قانون مذکور توصیه می‌شود؛ به‌طوری‌که میزان معافیت به قدری افزایش یابد که بر تصمیم سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در مناطق محروم تأثیرگذار باشد یا ابتدا سایر مواردی ارزیابی شوند که در تصمیم‌گیری مکان فعالیت بنگاه مؤثر هستند و در صورتی از

مکیان، سید نظام الدین و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی اثر رشد تجارت بر رشد توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیا: رهیافت داده‌های تابلویی»، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره ۹، شماره ۱، ص ۷۰-۵۵.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۲) / www.amar.org.ir/

مقصودپور، محمدعلی (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر تمرکز جغرافیایی صنایع غذایی و آشامیدنی با استفاده از داده‌های پانل پویا»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۷، شماره ۲۸، ص ۱۸۰-۱۶۵.

موسوی جهرمی، یگانه و همکاران (۱۳۹۵). «ارزیابی تأثیر معافیت‌های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ بر سرمایه‌گذاری و ورود شرکت‌ها به شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور»، *پژوهشنامه مالیات*، دوره ۲۴، شماره ۳۲، ص ۵۸-۳۵.

مهرگان، نادر، تیموری، یونس (۱۳۹۱). «ارزیابی تمرکز جغرافیایی استانی صنعت و عوامل مؤثر بر میزان آن در ایران»، *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۲۰-۱۰۵.

نوفروستی، محمد (۱۳۸۹). *ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

Addison, T., & et al. (2018). Fiscal policy, state building and economic development. *Journal of International Development*, 30(2), 161-172.

Alamanda, A. (2020). The Effect of Government Expenditure on Income Inequality and Poverty in Indonesia, *Info Artha Journal*, 4(1): JULY EDITION.

Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations. *Review of Economic Studies*, 58(12), 277-297.

Berg, A. G., & Ostry, J. D. (2011). Inequality and unsustainable growth: two sides of the same coin? IMF Staff Discussion Note. International Monetary Fund.

Campi, M. T. C., & et al. (2004). The Location of New Firms and the Life Cycle of Industries. *Small Business Economics*, 22, 265-281.

Deng, L., & et al. (2020). Government intervention and firm investment. *Journal of Corporate Finance*, 63, 101-123.

Devereux, M. P., & et al. (2007). Firm Location Decision, Regionals Grants and Agglomeration Externalities. *Journal of Public Economics*, 91, 413-435.

عبدالملکی، حجت‌الله و شیردلیان، شهناز (۱۳۹۲). «تحلیل تأثیر معافیت‌های مالیاتی بر کارایی اقتصادی منطقه‌ای (مطالعه موردی معافیت‌های مالیاتی مناطق محروم موضوع ماده ۱۳۲ ق.م.م)»، *مجله پژوهشنامه مالیات*، شماره ۲۰، ۱۹۷-۱۶۹.

عبدی، محمدرضا و رضایی، ابراهیم (۱۳۹۴). «تحلیل منافع و هزینه‌های مشوق‌های مالیاتی صنایع منتخب در اقتصاد ایران»، *پژوهشنامه مالیات*، دوره ۲۳، شماره ۲۷، ص ۳۳-۹.

عسگری، علی و جعفری، تینا (۱۳۹۵). «ارزیابی آثار اعطای معافیت مالیاتی در مناطق آزاد تجاری ایران (مطالعه موردی منطقه آزاد قشم، کیش و چابهار)»، *اقتصاد مالی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ص ۷۰-۴۳.

غفاری‌فرد، محمد (۱۳۹۸). «بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۹، شماره ۳۰، ص ۲۱-۴۱.

سامتی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۳). «اثرات صرفه‌های تجمع صنعتی و شهرنشینی بر رشد اقتصادی: شواهدی از بازارهای ایران»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال ۸، شماره ۳، ص ۳۶-۱۷.

سولیان، آ (۱۳۸۶). *مباحثی در اقتصاد شهری*، ترجمه جعفر قادری و علی قادری، جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات نور علم.

فرهمنند، شکوفه و بدری، فروزنده السادات (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین تجمع و رشد اقتصادی در منتخبی از کشورهای آسیا - اقیانوسیه»، *فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه*، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۵۸-۱۴۰.

صالح‌نیا، نرگس و مقصودپور، محمدعلی (۱۴۰۰). «تأثیر صرفه‌های ناشی از تجمع و شهرنشینی بر رشد اقتصادی صنایع غذایی و آشامیدنی»، *جغرافیا و توسعه فضایی شهری*، دوره ۸، شماره ۲، ص ۱۷۷-۱۶۱.

گودرزی فراهانی، یزدان و خلیلی عراقی، منصور (۱۴۰۱). «ارتباط بین اعتبارات بودجه‌ای و بانکی با رشد اقتصادی استان‌های کشور با رویکرد Panel-VAR»، *فصلنامه اقتصاد باثبات*، دوره ۳، شماره ۳، ص ۲۱-۱.

مک‌کین، فیلیپ (۱۳۹۴). *اقتصاد نوین شهری و منطقه‌ای*، ترجمه شهرام رئیسی دهکردی، تهران: انتشارات نور علم.

- Henderson, J. V. (2000). The Effects of Urban Concentration on Economic Growth. NEBR Working Paper, No. 7503.
- Kelchtermans, S., & et al. (2020). The role of peer effects in firms' usage of R&D tax exemptions, *Journal of Business Research*, 108, 74-91.
- Marsal, E. V. (2004). Agglomeration Economies and Industrial Location: City- Level Evidence. *Journal of Economic Geography*, 4, 565- 582.
- Nurkse, R. (1953). *Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries*. Oxford: Oxford University Press.
- Romer, D. (2001). *Advanced Macroeconomic*, McGraw-hill.
- Sridhar, K. S., & Wan, G. (2010). Firm Location Choice in Cites: Evidence from China, India and Brazil. *China Economic Review*, 21, 113-122.
- Diamond Jr, A. M. (1999). Does federal funding "crowd in" private funding of science? *Contemporary Economic Policy*, 17(4), 423-431.
- Faria, J.R., & et al. (2023). Government investments and entrepreneurship. *Small Bus Econ*, 61, 1657-1670. <https://doi.org/10.1007/s11187-023-00743-9>
- Friedman, M. (1968). The role of monetary policy. *American Economic Review*, 58(1), 1-17.
- Gaus, D., & Hirte, G. (2023). Agglomeration or Market Access? The Defining Factors of Firms' Location Choice. DIW Berlin Discussion Paper No. 2045, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4505434> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4505434>

